

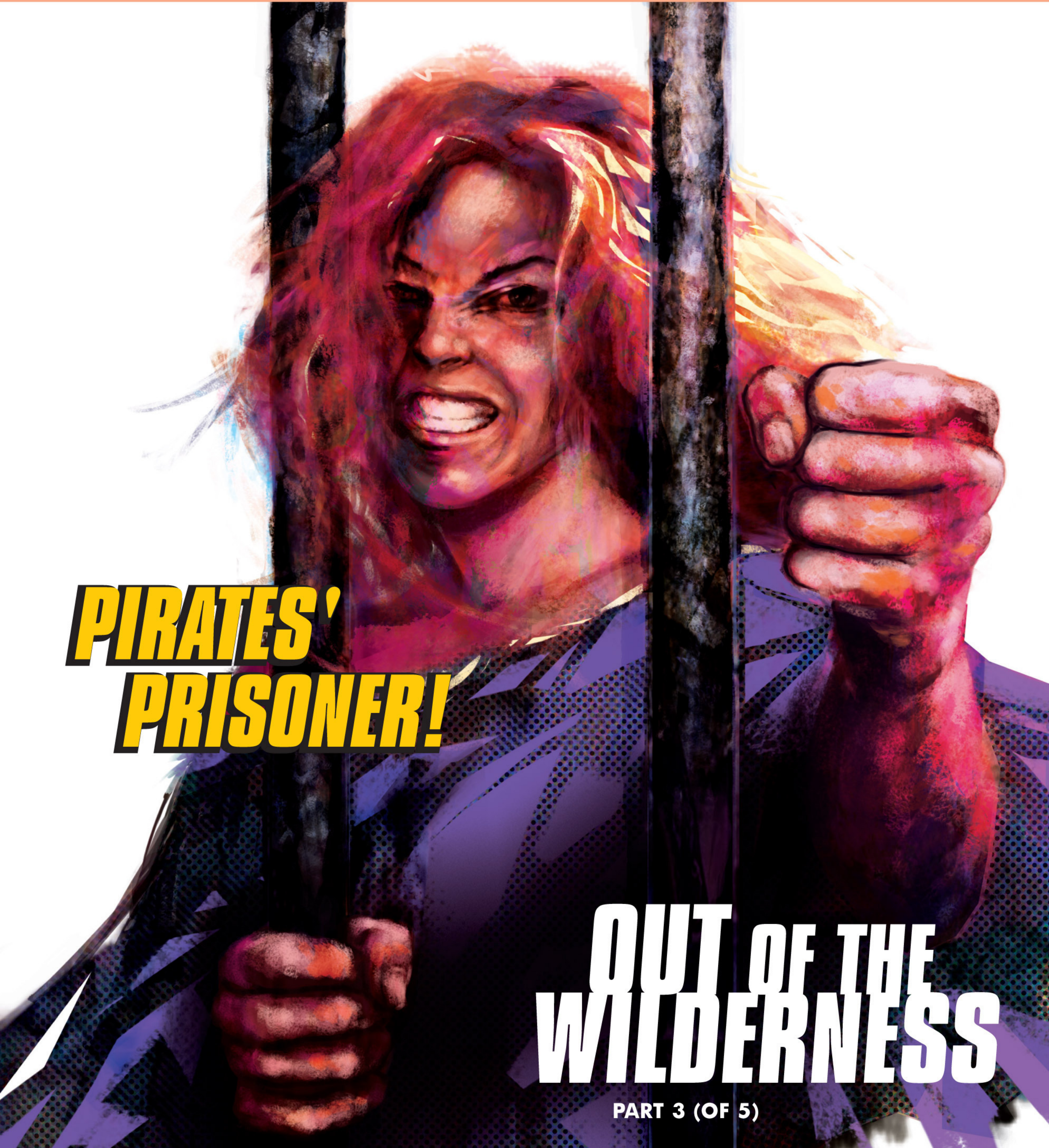
MARVEL

STAR WARS

#3

STRADLEY
WHEATLEY
JACKSON

DARK TIMES



**PIRATES'
PRISONER!**

**OUT OF THE
WILDERNESS**

PART 3 (OF 5)

LEGENDS

تاریکی مانعی بر سر راه مهاجمان نیست و آنها از دل تاریکی راه خود را از میان بیابان های کم یزرع باز می کنند.

اگر دلیلی برای این مسئله باشد خنکی هواست که موجب تلاش بیشتر آنها می شود.

آنها از هیچ توحشی فروگذار نیستند اگر نتیجه ای در بر داشته باشد. مهربانی عفوقت ضعف محسوب می شود...

YEEEEAAW!

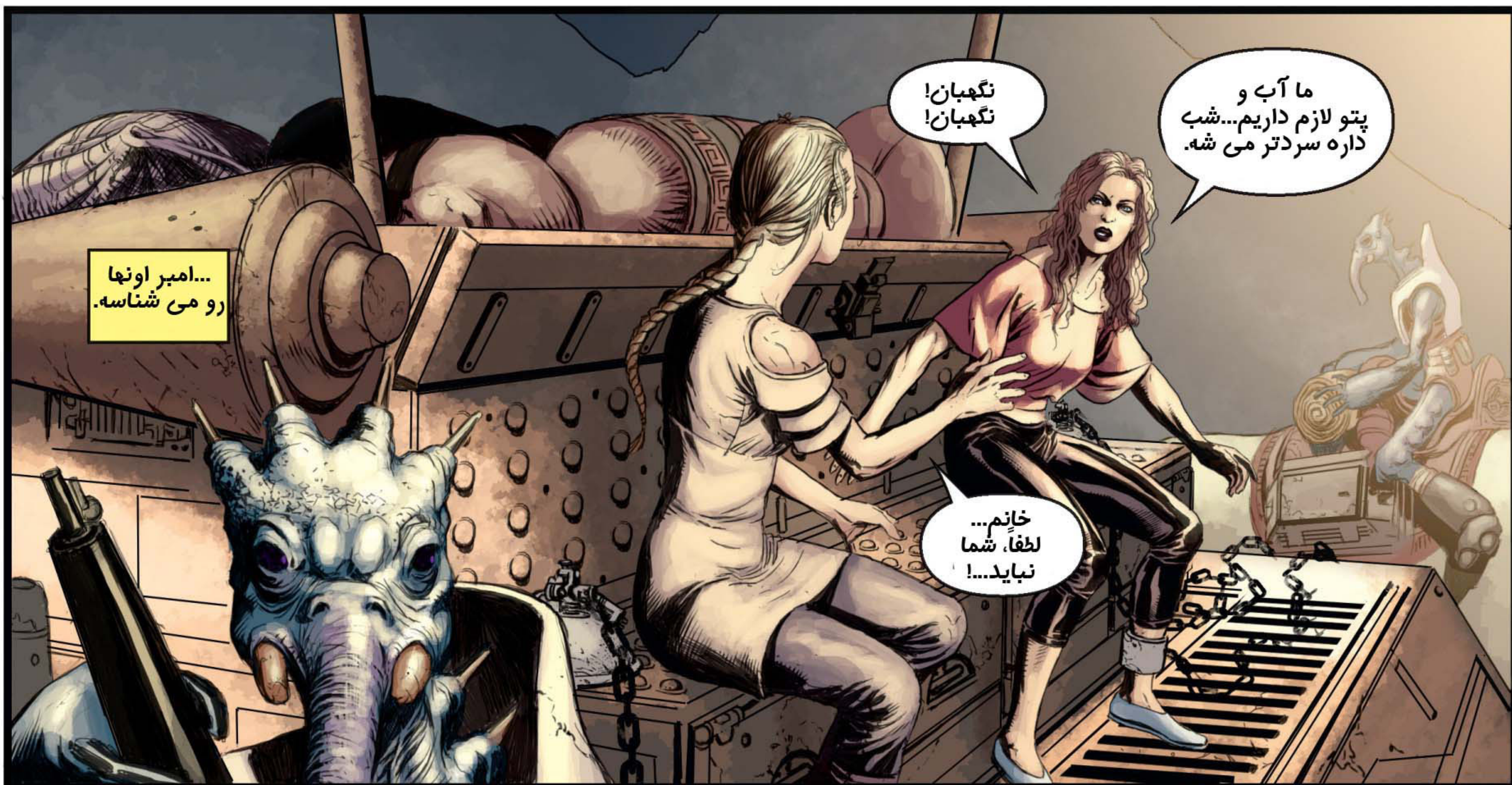
KRAK!

...و از ضعف سوء استفاده می شود.

امیر چانکلی اکثر جوانی اش را با مردانی اینچنین سروکار داشته... مردانی که تحقیر و آزار دیگران پیشه همیشگی شان است...

...یا حتی حس تملک.

اگر چه سالهای زیادی بود که اینگونه مردها به جای رئیس، سروران او بودند...



ما آب و پتو لازم داریم... شب داره سردتر می شه.

نگهبان! نگهبان!

خانم... لطفا، شما نباید...

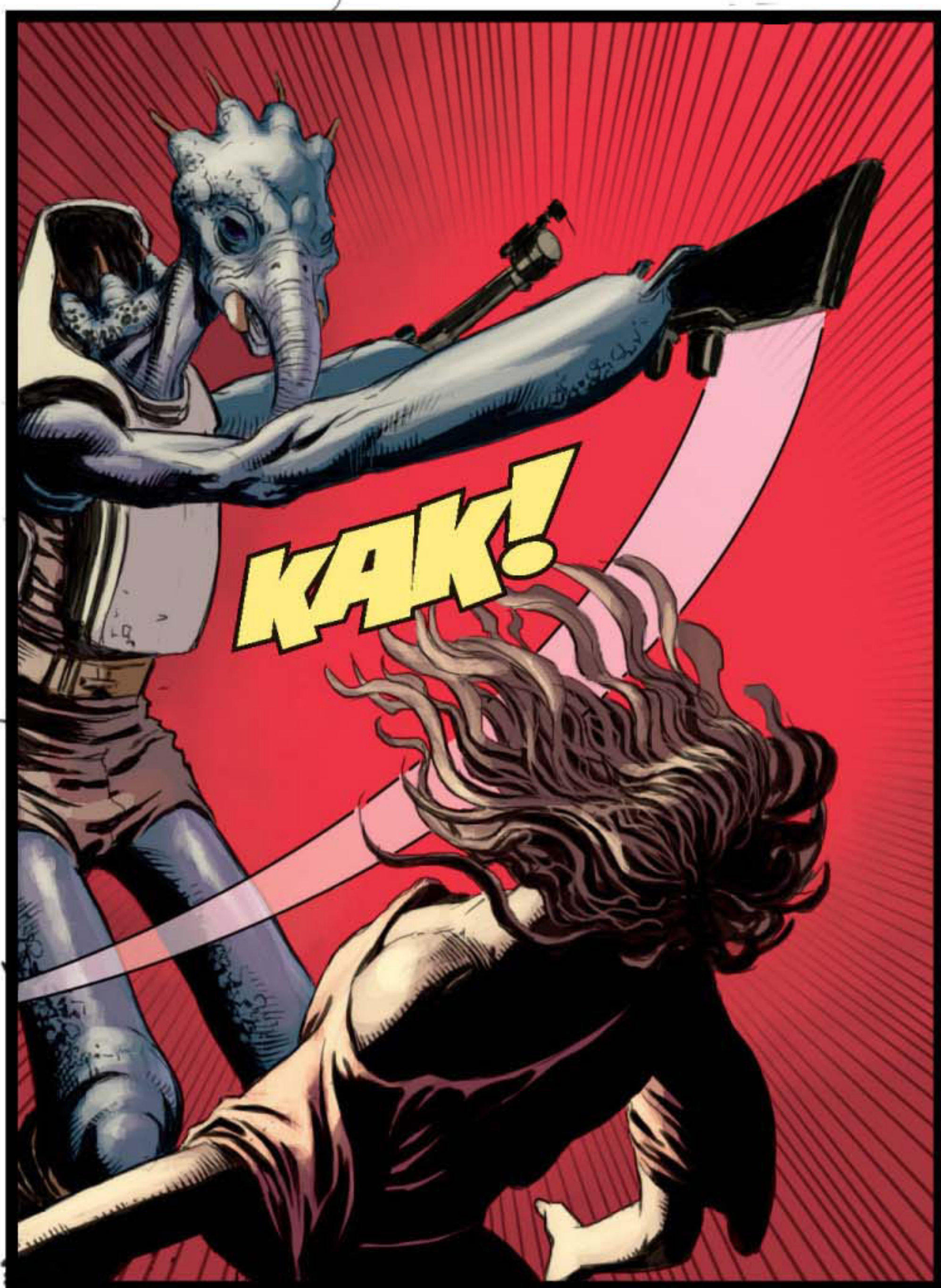
...امیر اونها رو می شناسه.



به اون نگاه نکن. باهش صحبت نکن!



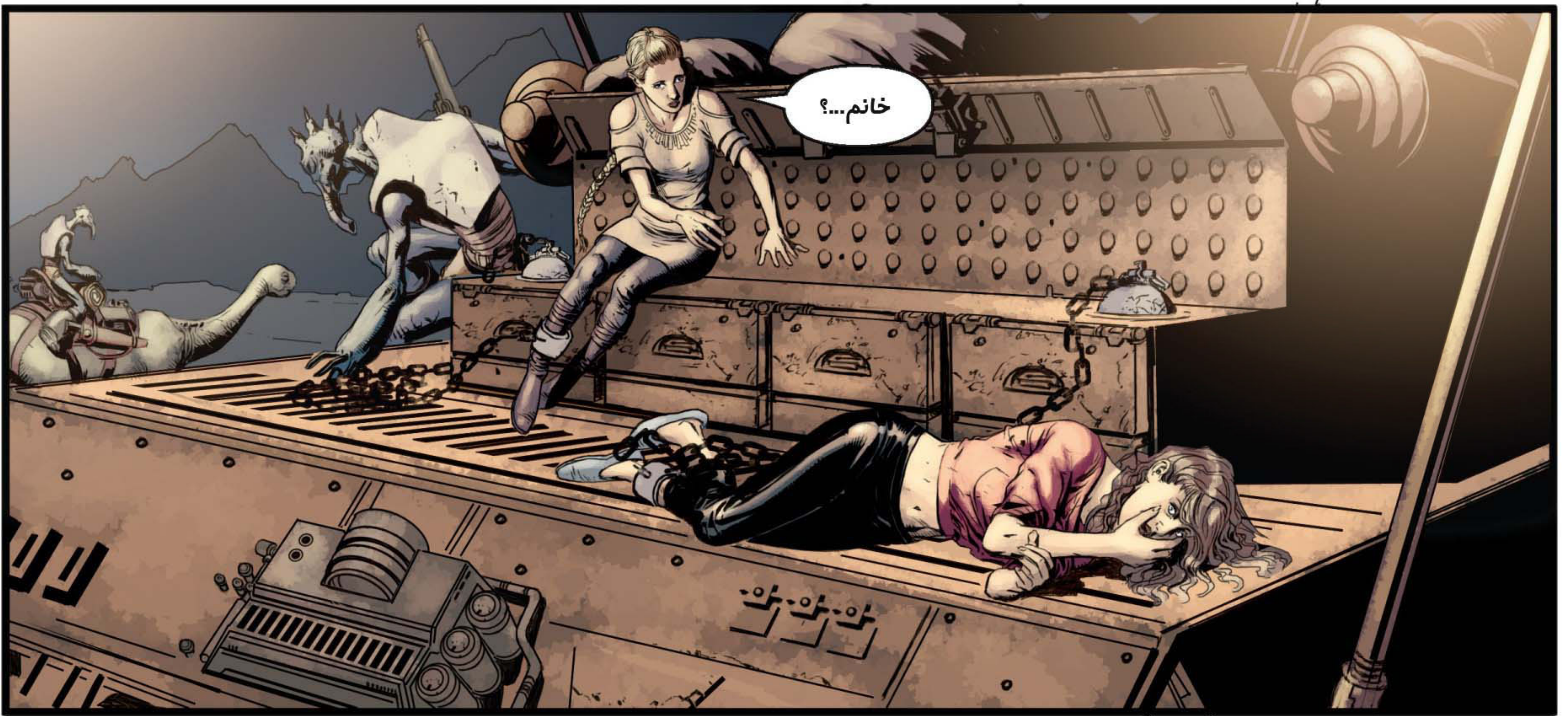
اگه می خواهی بهترین قیمت رو برای ما دریافت کنی، باید با ما درست رفتار کنی... یعنی آب کافی خوردن و شست و شو! و من می خوام...



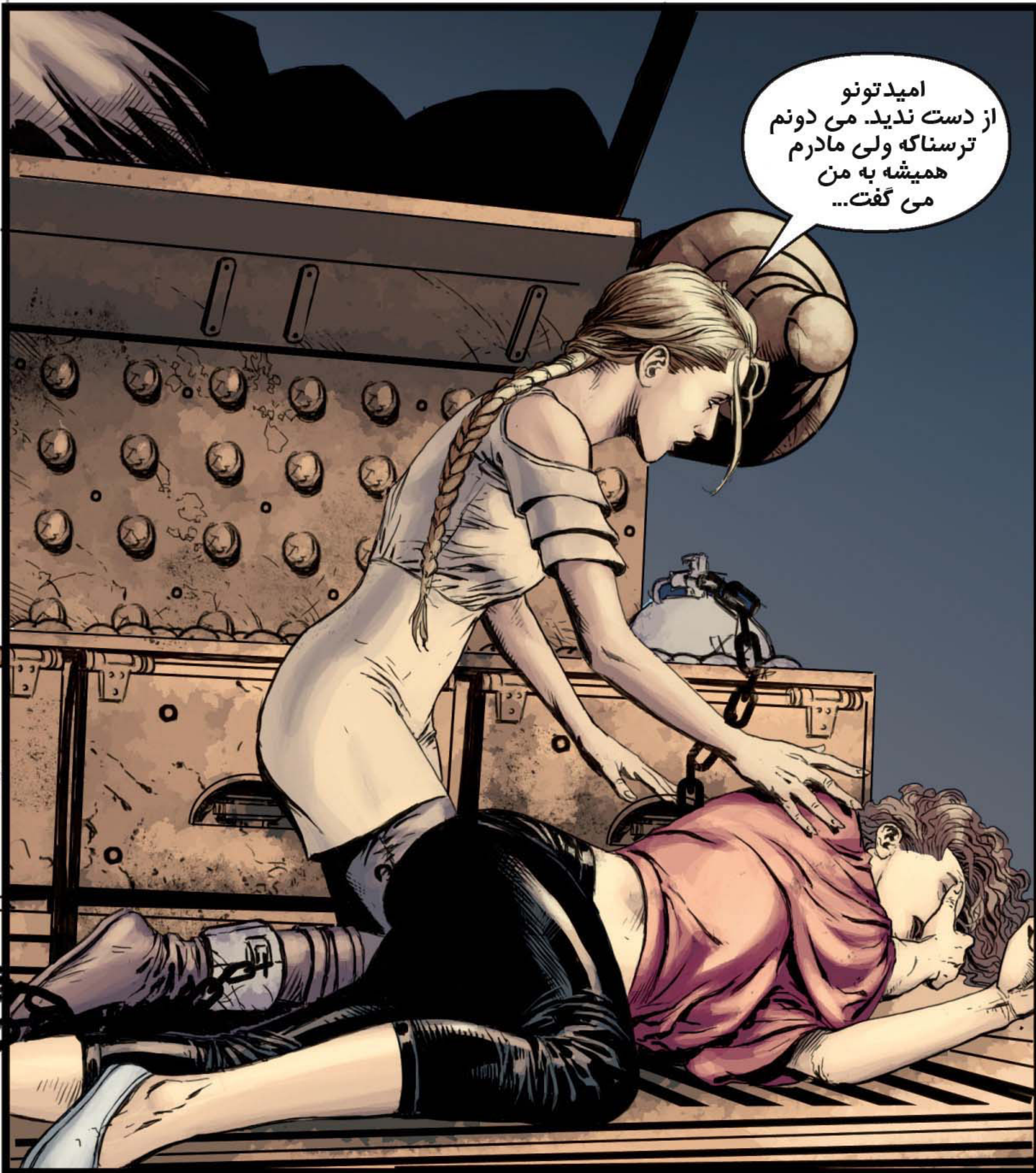
KAK!



برای مشتری های ما همینقدر که نفس بکشید کافیه.



خانم...؟



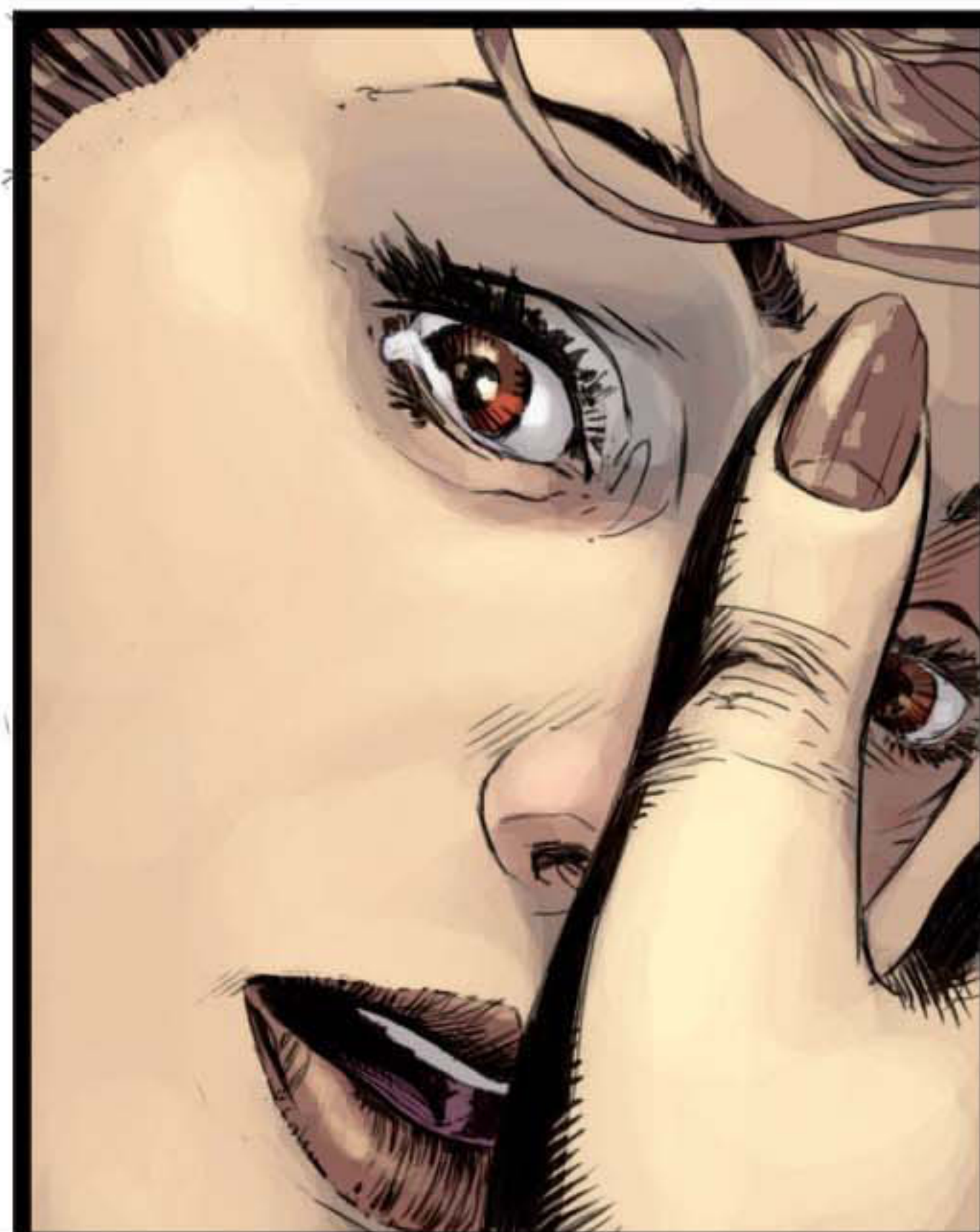
امیدتونو
از دست ندید. می دونم
ترسناکه ولی مادرم
همیشه به من
می گفت...



"...امیدوار باش
مدی... تا زمانیکه امید
هست امیدوار باش.
یه شانس هست."

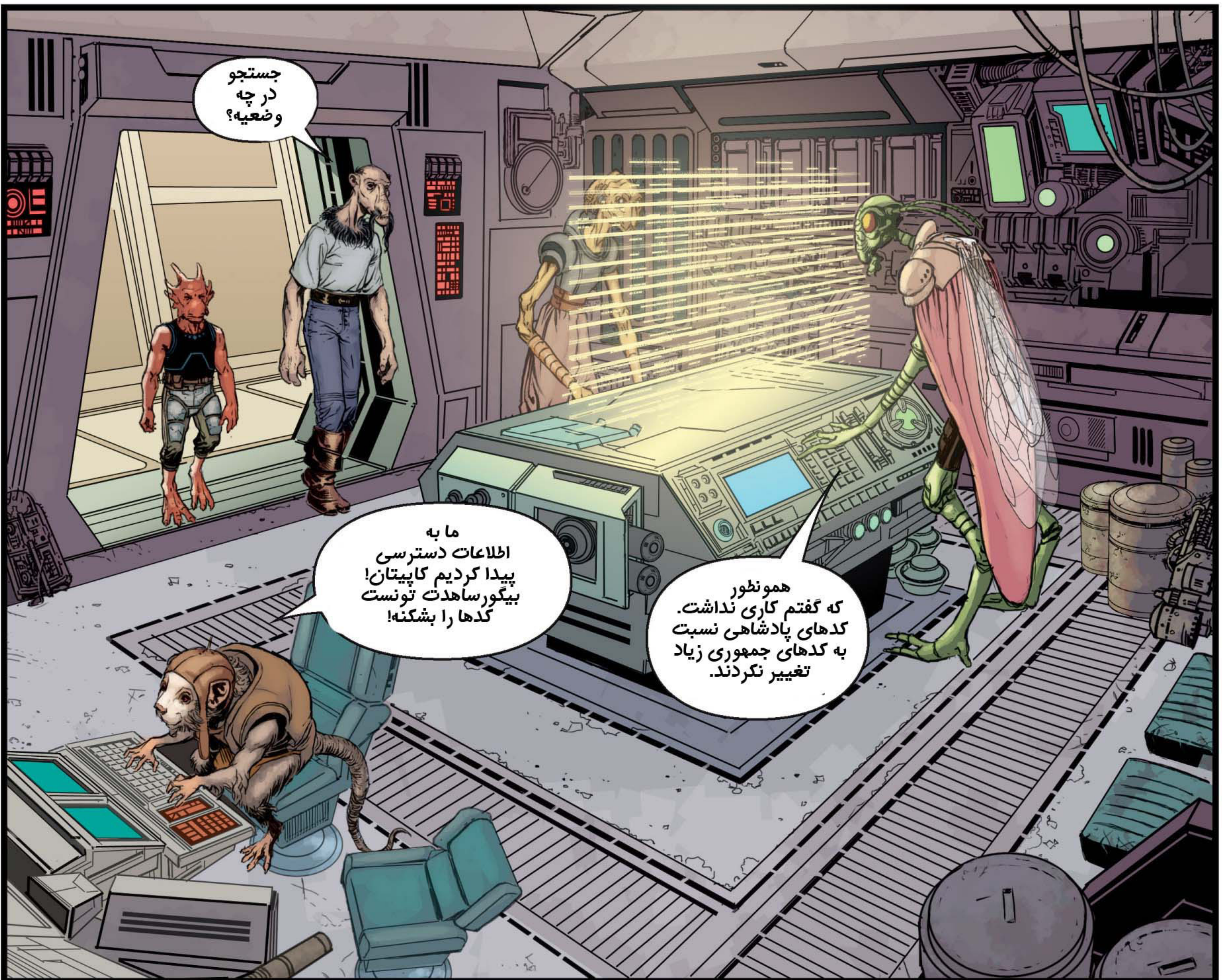


به من اتکا
کن، هر دومون به
امید اتکا
می کنیم.



امیر به خودش
مسلط می شه و صداقت
اون دختر موجب آرامشش
می شه...

حتی اگر امید واقعی گمراه کننده باشه.
چون جنیر خیلی از اونا عقب افتاده و
اگه اون نتونه پیدا شون کنه... کی
می تونه به اونها کمک کنه.







نابود شده؟! پس جنیر مرده؟

به نظر من جنیر رو پیدا کردم! یه سفینه غیر نظامی... یه "فراری" که طبق گزارش ها نابود شده بود... به همراه دو سفینه جنگی سلطنتی!



من اینو نگفتم. گفتم کاپیتان یکی از اسکادران های سلطنتی گزارش داده که جنگنده هاش یک سفینه رو نابود کردند... و خودشون هم نابود شدند.

کجای این خبر خوبه؟

متوجه نیستی گرین بارک؟ کاپیتان باید گزارش می داده یه سفینه غیر نظامی نابود شده. هیچکس با گزارش نقص کار ترفیع نمی گیره.



اون باید نابودی دو جنگنده هم گزارش می داده. امپراطور حواسش به همه چیز هست.

ولی از خودتون پرسید چطور ممکنه یه سفینه غیر نظامی نابود شده دو تا از جنگنده های کلاس نیمبوس را نابود کنه؟



"تنها یه راه وجود داره... اگر خلبان یه جدای بوده باشه!"

"طبق گزارشات این سفینه در دنیای کوچکی بنام پراین سقوط کرده... که از اینجا دور نیست، در امتداد مسیر انراکه..."





”می تونیم ظرف چند ساعت برسیم به اونجا و رد جنیر رو بگیریم!“

زدپاش اینجا تموم می شه قربان.



این آتیش با عجله خاموش شده. مرد ما به همراه اون زن اینجا استراحت کرده و غذا خورده...

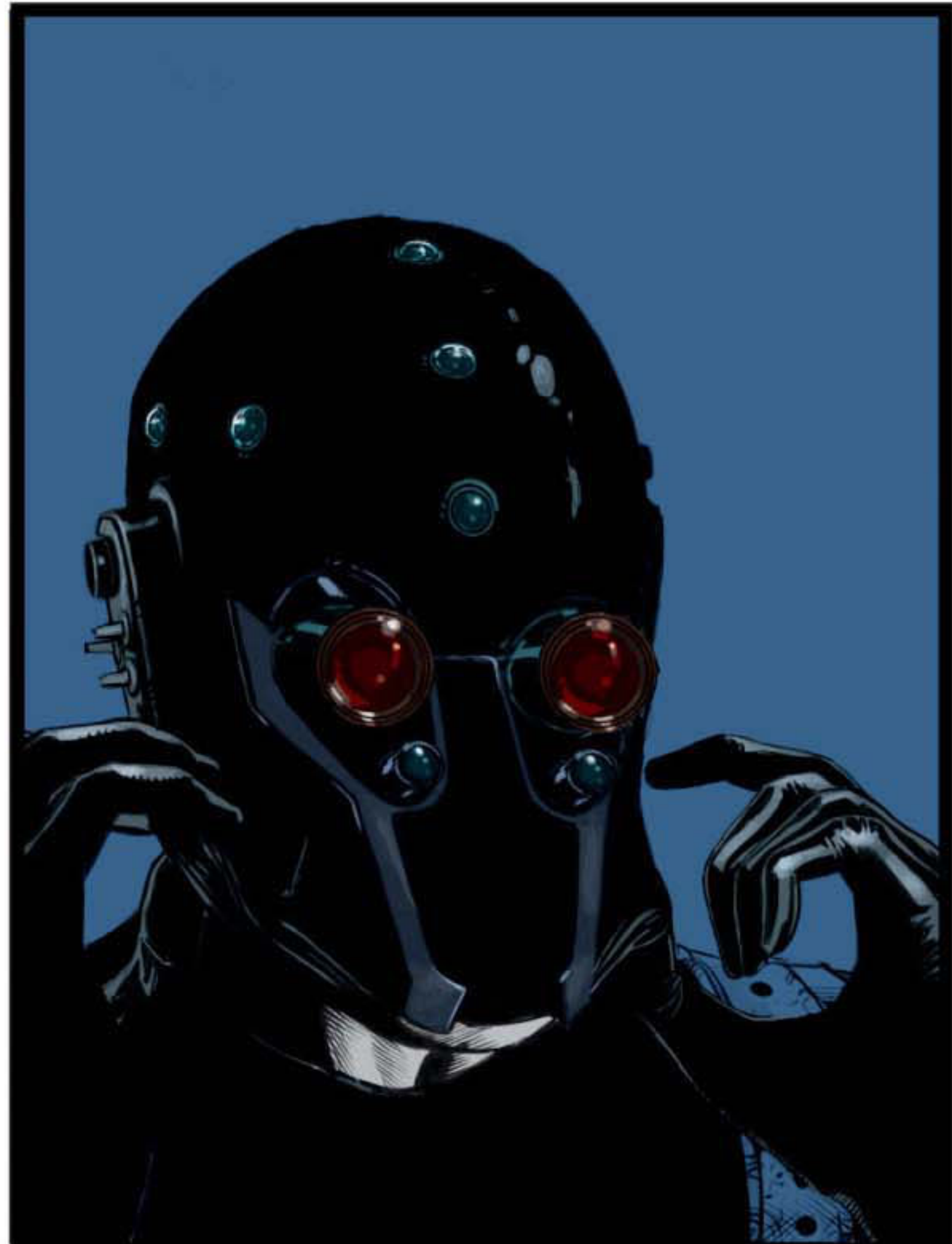


...ولی یه چیزی باعث شده که سرعت از هم جدا بشن.

و بعد مجبور شدند رد پاشونو پنهان کنند...



...چیزی که تا این نقطه اونها رو تهدید نکرده بوده.



تا طلوع آفتاب اینجا می مونیم ایزی.

بعد از هم جدا می شیم و تو روشنایی روز جستجو رو ادامه می دیم.



آقای جنیر...؟

آروم
باشن...

حالت خوب می شه
هیچکس اذیتت
نمی کنه.



این حیوون
انقدر تقلا کرده
پاهاشو زخمی
کرده...

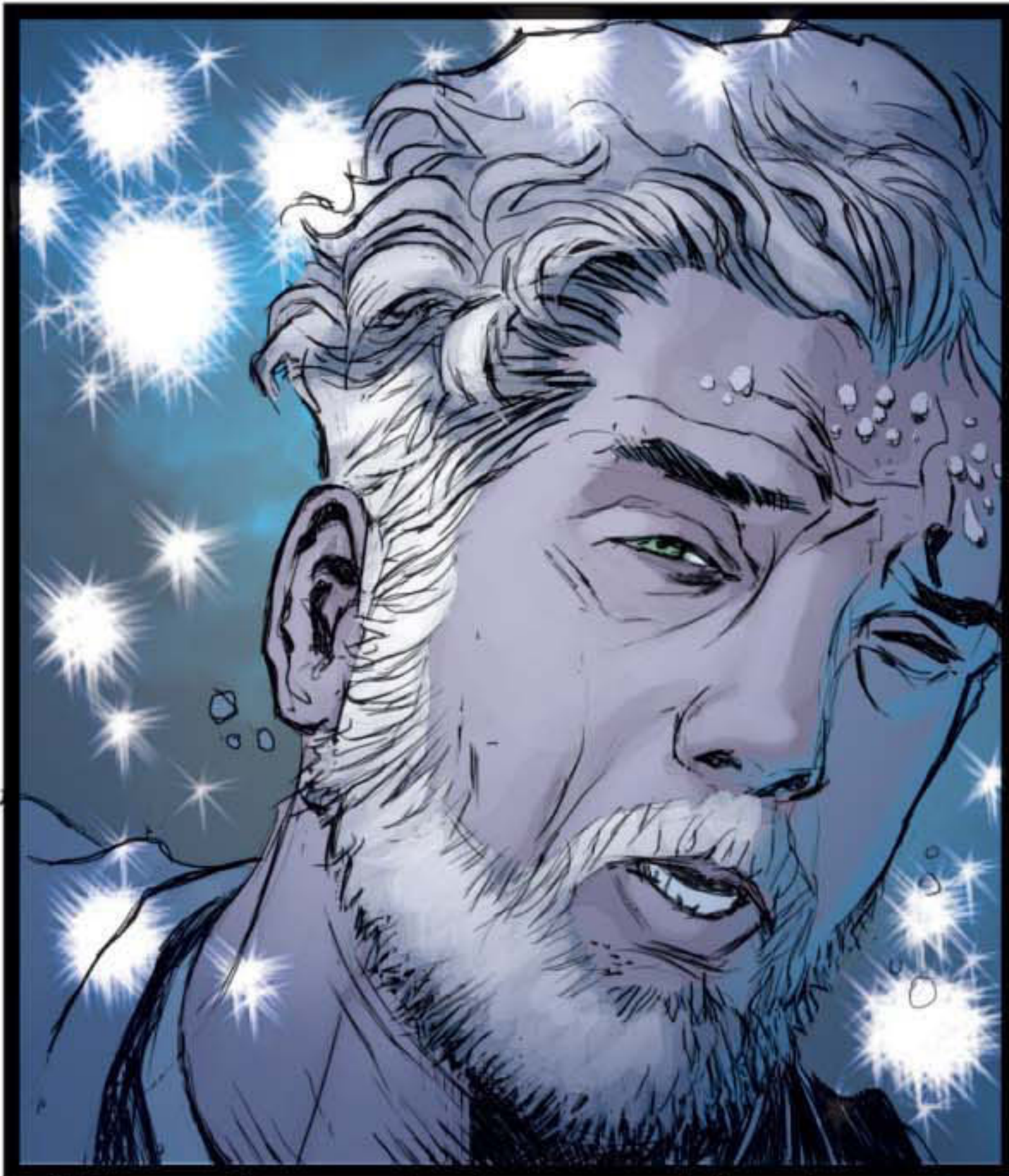
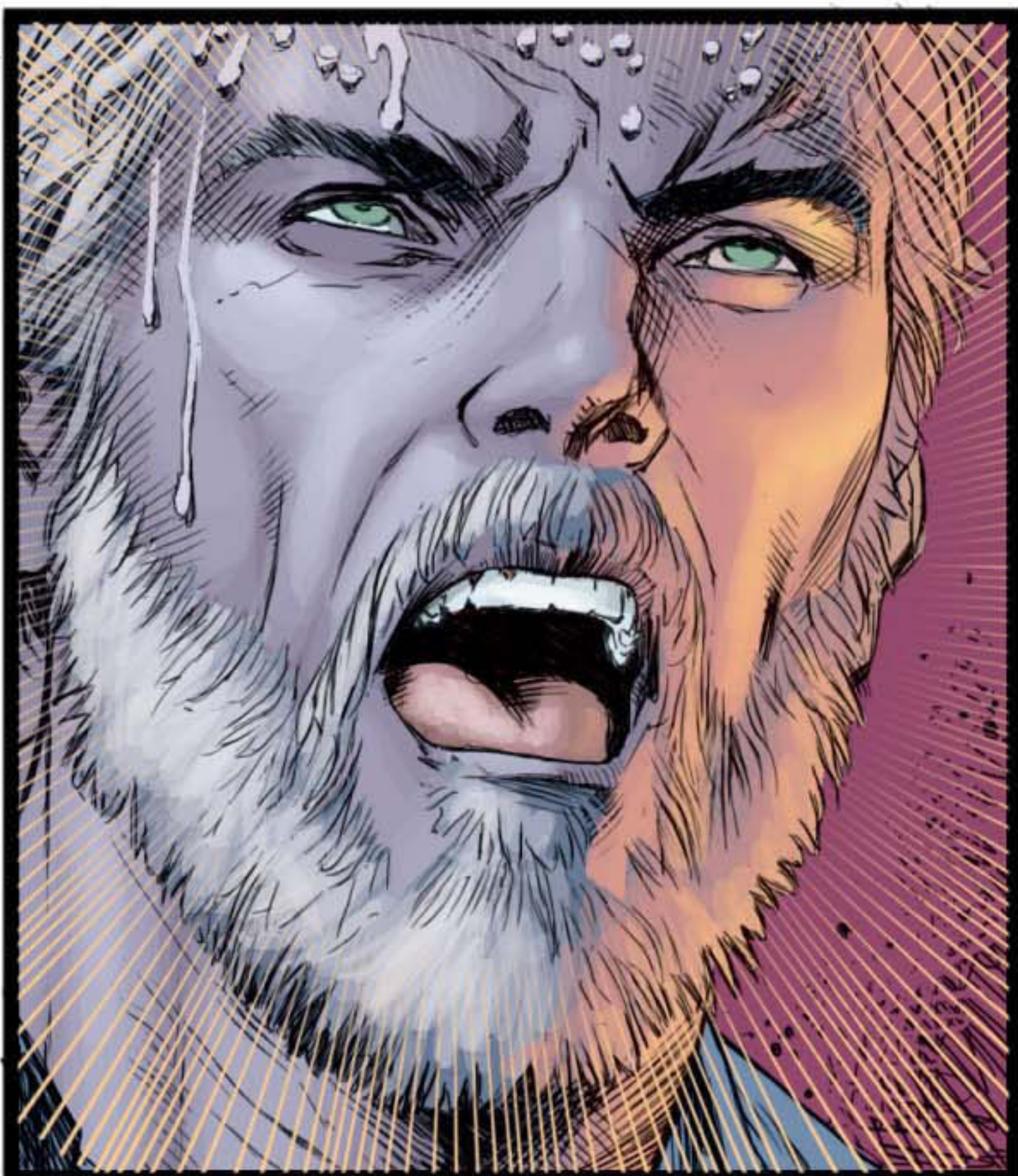


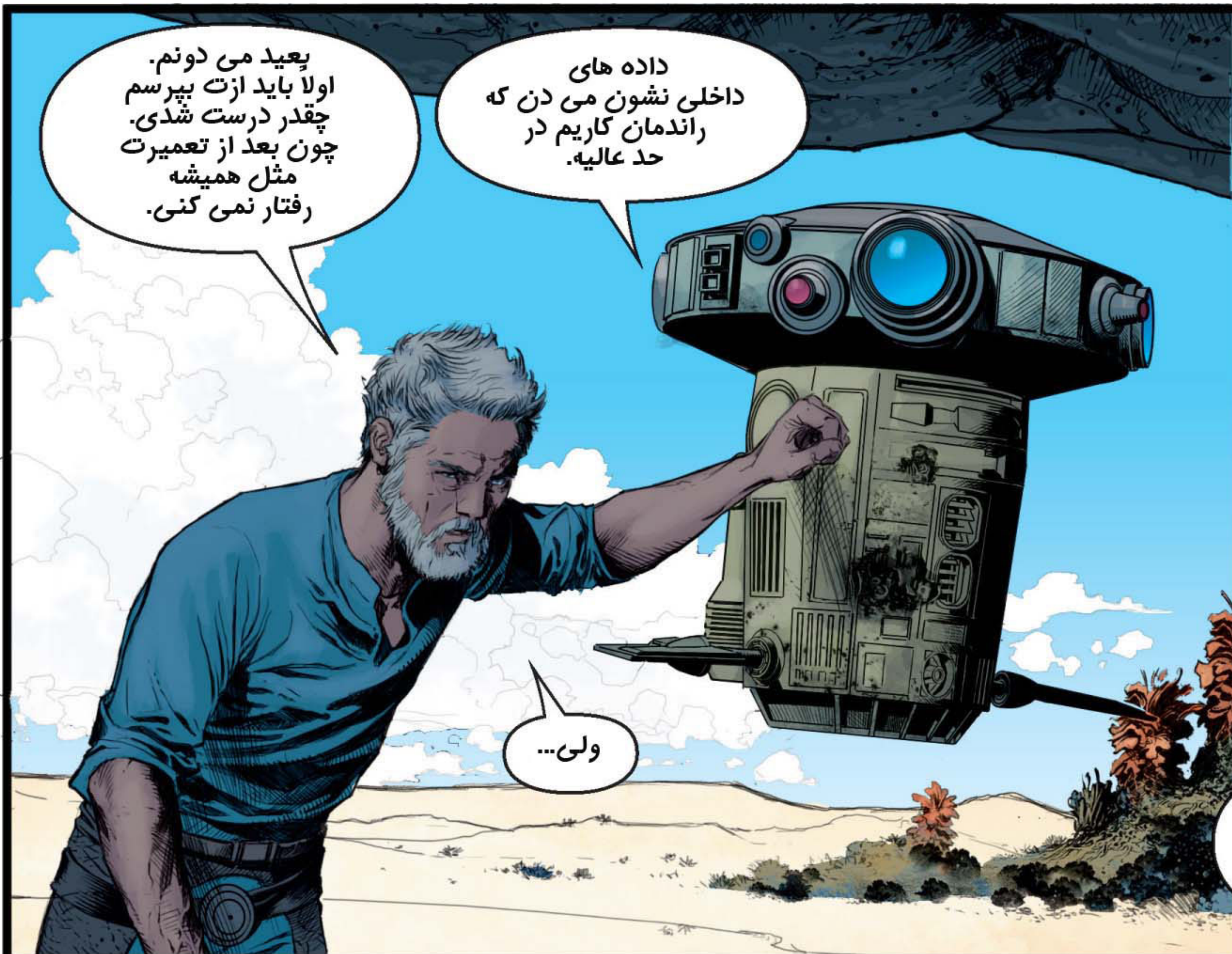
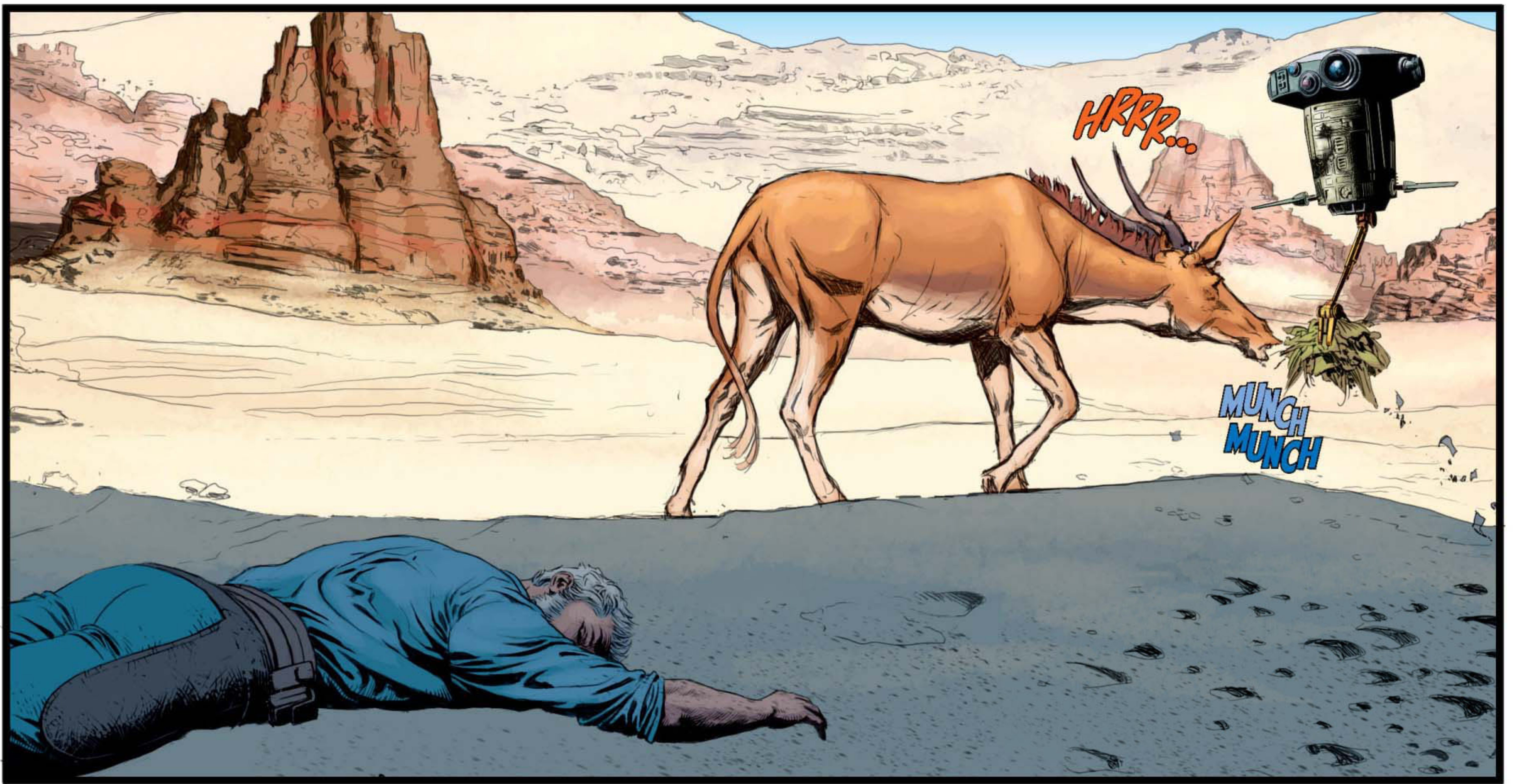
...می خوام از
نیرو برای درمانش
استفاده کنم.



بله
قربان.

یه کم
سبزی و گیاه های تازه
لازم دارم بدم بخوره.
هرچی سبزتر باشه بهتره.
فهمیدی؟







تخصص شما
چی بود استاد؟

تخصصی نداشتم.
اساتید من قابلیت های
منو در تمام زمینه ها
"متوسط" ارزیابی
می کردند...

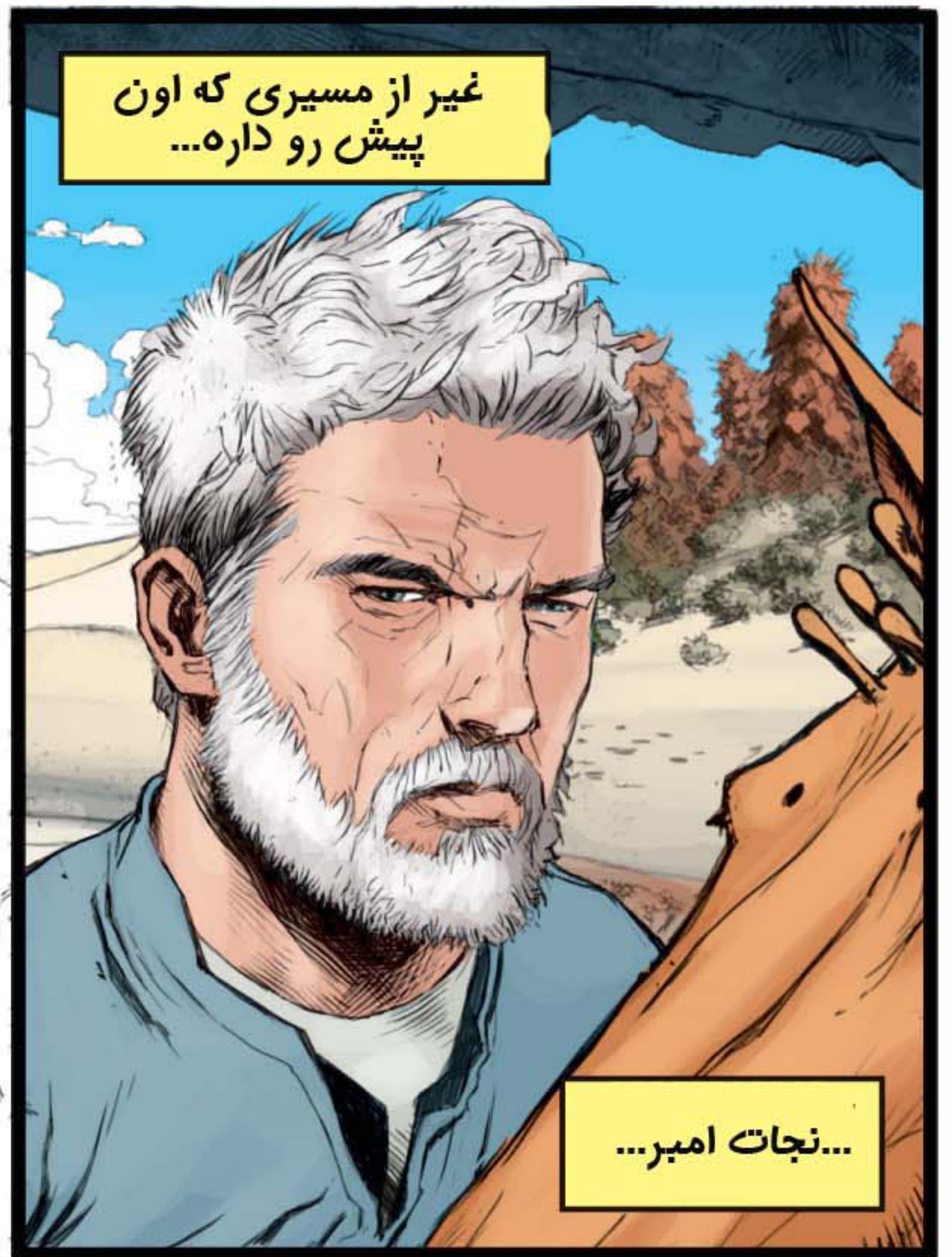


کهکشان به همه
قابلیت های این
جدای نیاز داره.



خوب
من خوشحالم که
همچین استاد
متوسطی دارم.

ولی جنیر از این وحشت داره
که مبادا حوادث اخیر باعث
ایجاد اختلال در ارتباطش با
نیرو شده باشه. تعداد خیلی
کمی از مسیرها در این
کهکشان جدید بوضوح قبل هستند...



غیر از مسیری که اون
پیش رو داره...

...نجات امیر...



...قبل از اینکه... هرکس یا
هر چیزی که تعقیبش می کنه
بهش برسه.

فکر می کنم
چیزی پیدا کردم
قربان!



ستوان این چیه؟

گزارشی مبنی بر نفوذ در اطلاعات قربان.

این گزارش از کجا مخابره شده؟



وندارک قربان... وندارک

از وندارک! یعنی اونطرف که کهنشان از یک ایستگاه ISO-LA زندان!

چه اطلاعاتی به سرقت رفته ستوان؟



اطلاعات عملیات یک سفینه گشتی سلطنتی.

لرد ویدر داره دنبال یه جدای می کرده! دزد اطلاعات عملیات چه اهمیتی می تونه براش داشته باشه؟! این گزارش ها رو بریز دور و ...



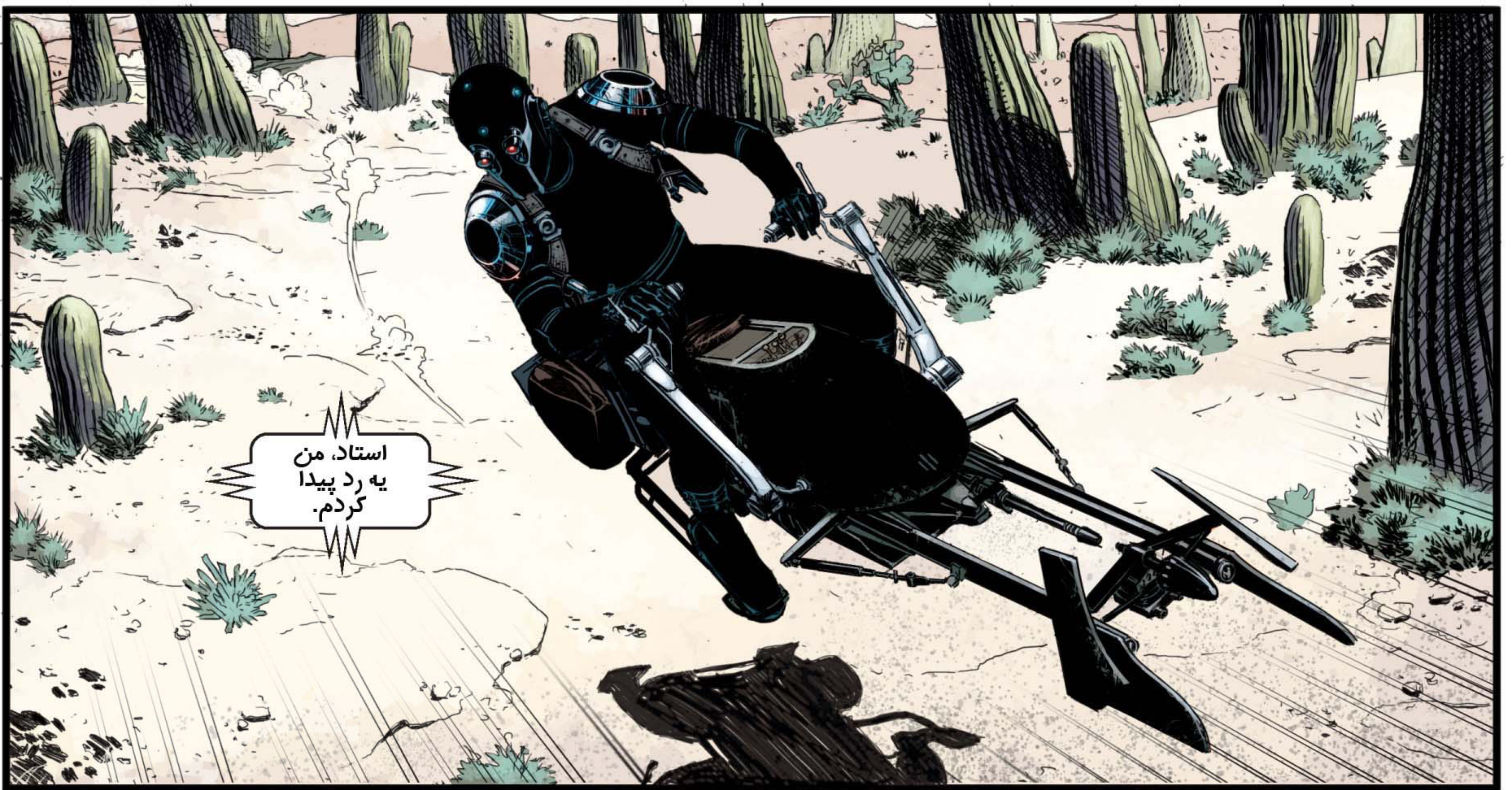
نه.



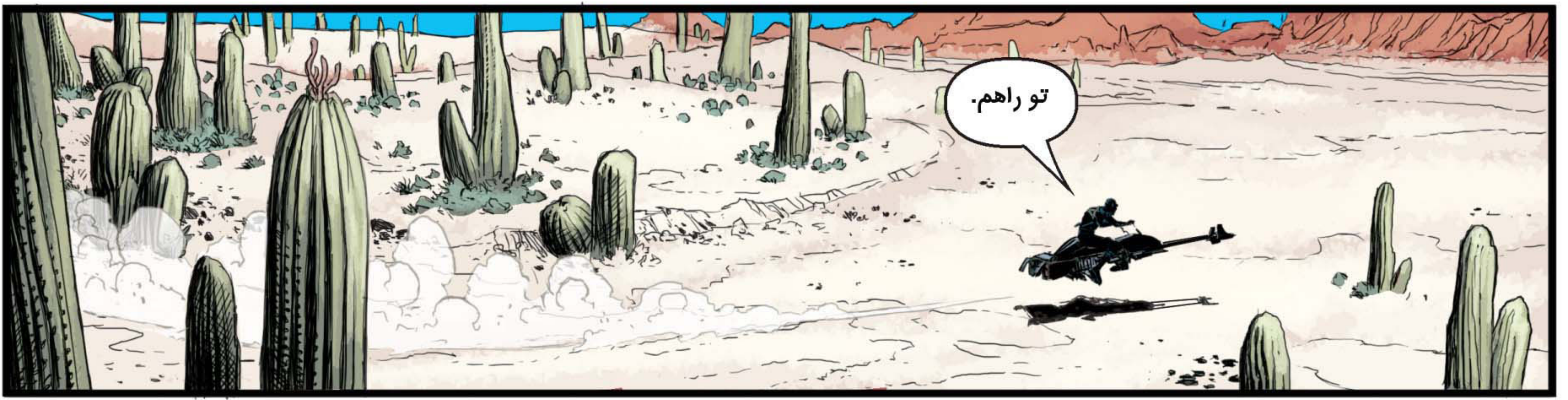
اطلاعات رو به ایستگاه من بفرست ستوان.

کاپیتان، سفینه منو طرف یک ساعت آینده به مقصد وندارک آماده کنید. حتما ستوان هم همراه ما باشه.

ب-بله پیشوای من...



استاد، من
یه رد پیدا
کردم.



تو راهم.



این ردها
دیشب ایجاد
شدند.

عجب ردی! یه سری
حیوون های سنگین که بیشتر
وسط فرار داشتند... و چندین سوار
در اطراف که سبک تر بودند. یه نوع
کاروان بوده به نظر م.

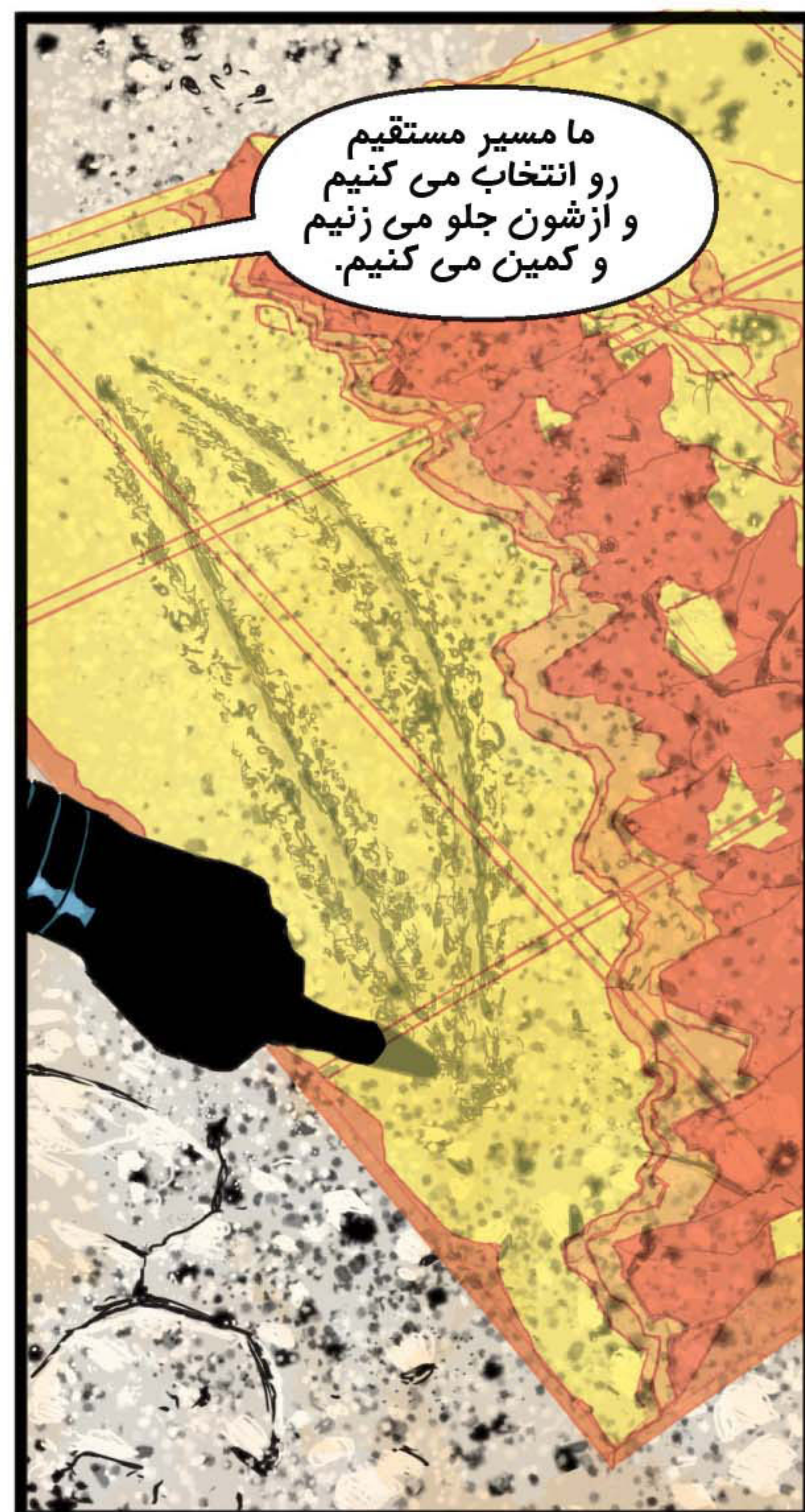
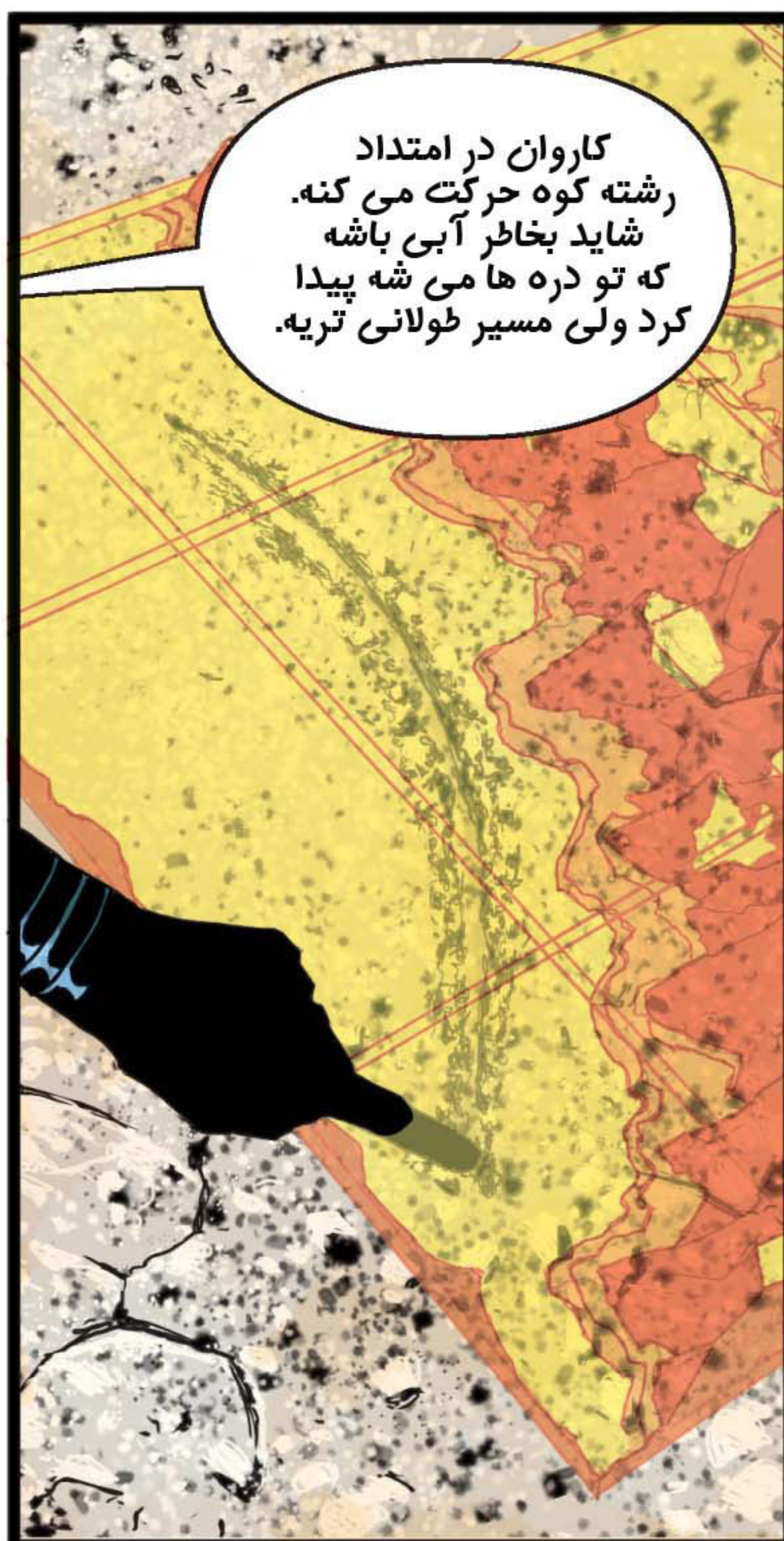
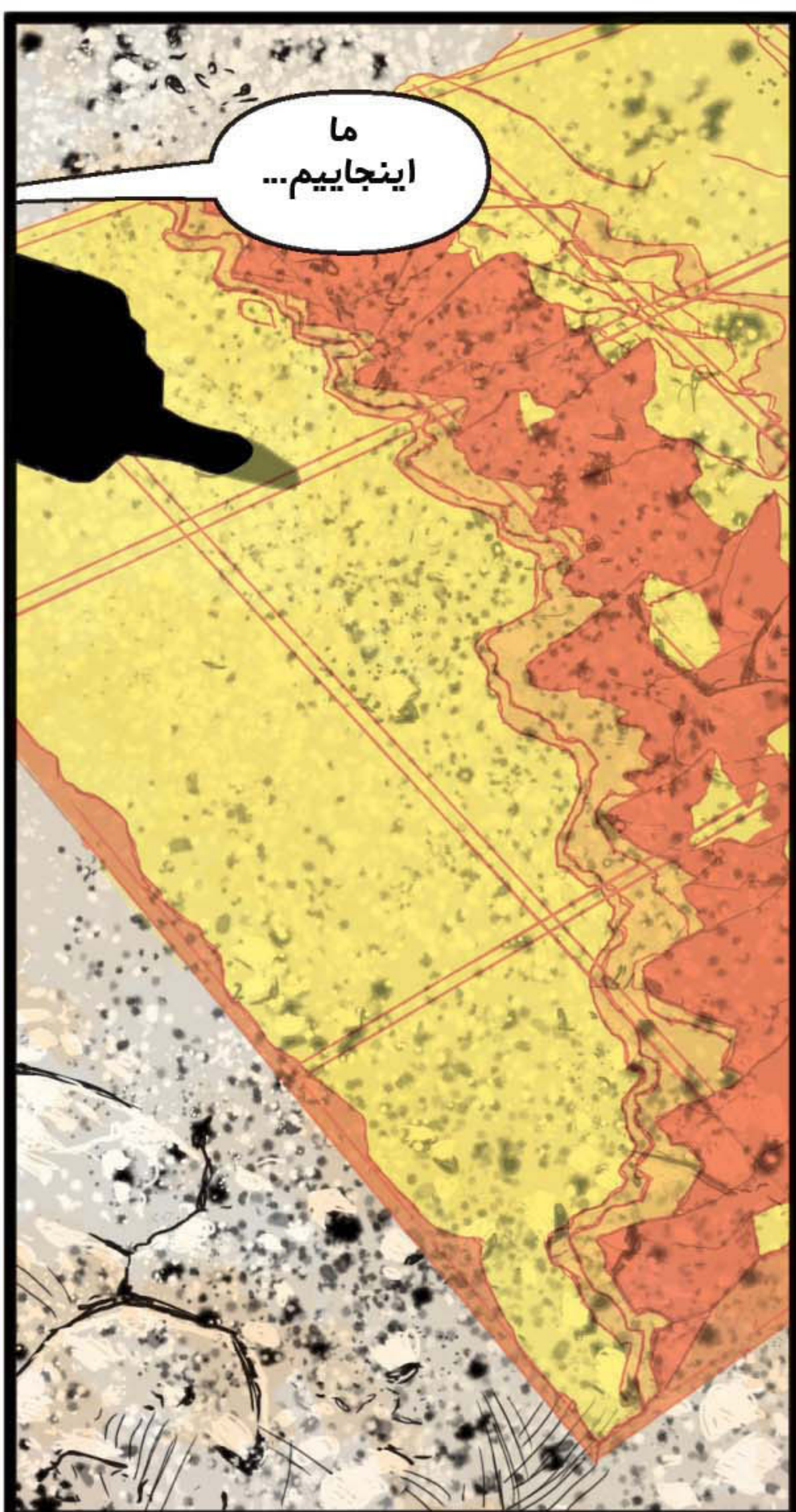


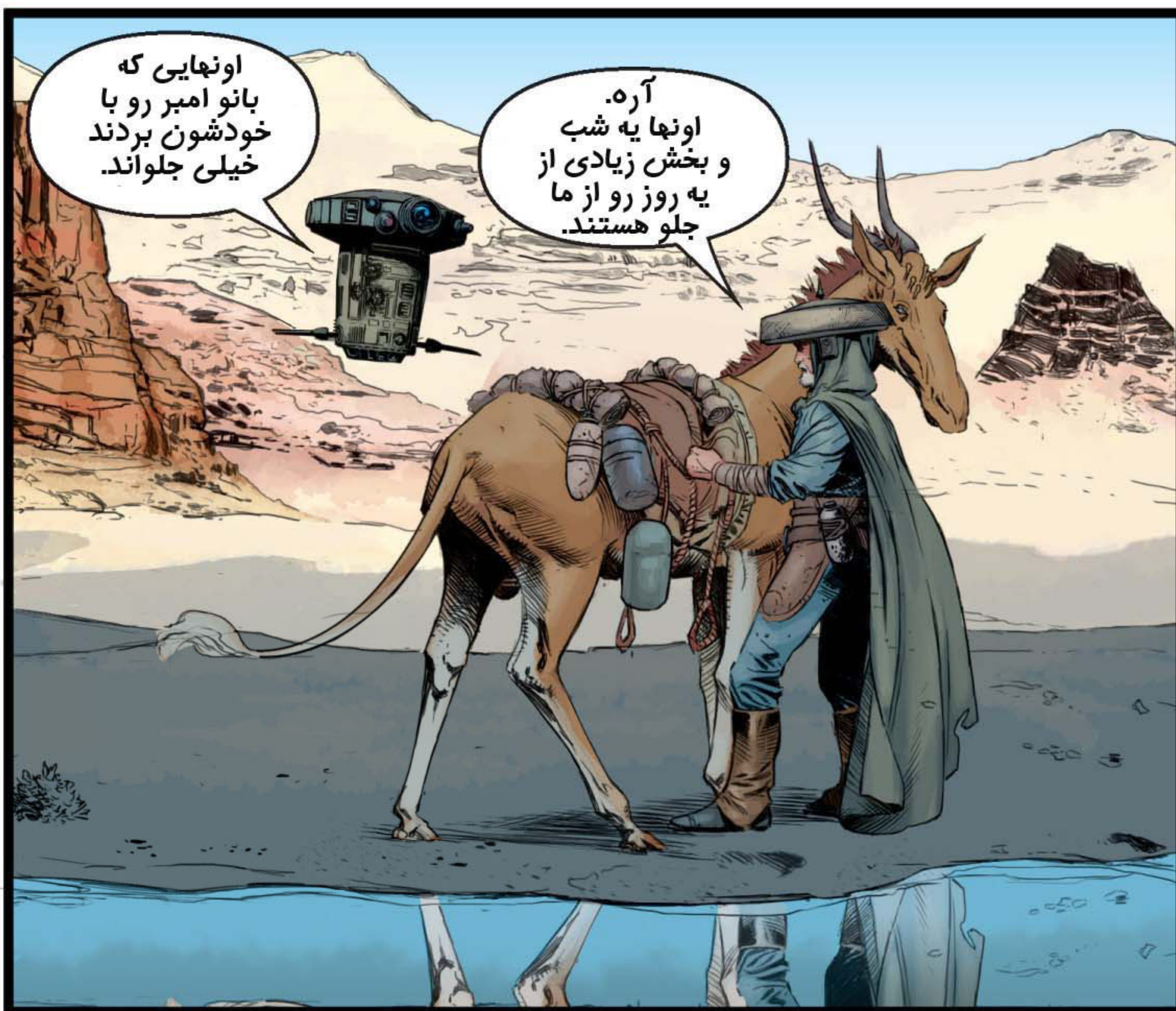
منطقی به نظر
میاد. جنیر و زن همراهش هفته ها
تو این بیابون آواره بودند و دنبال
نشانه های تمدن می گشتند
که ازش کمک بخوان.

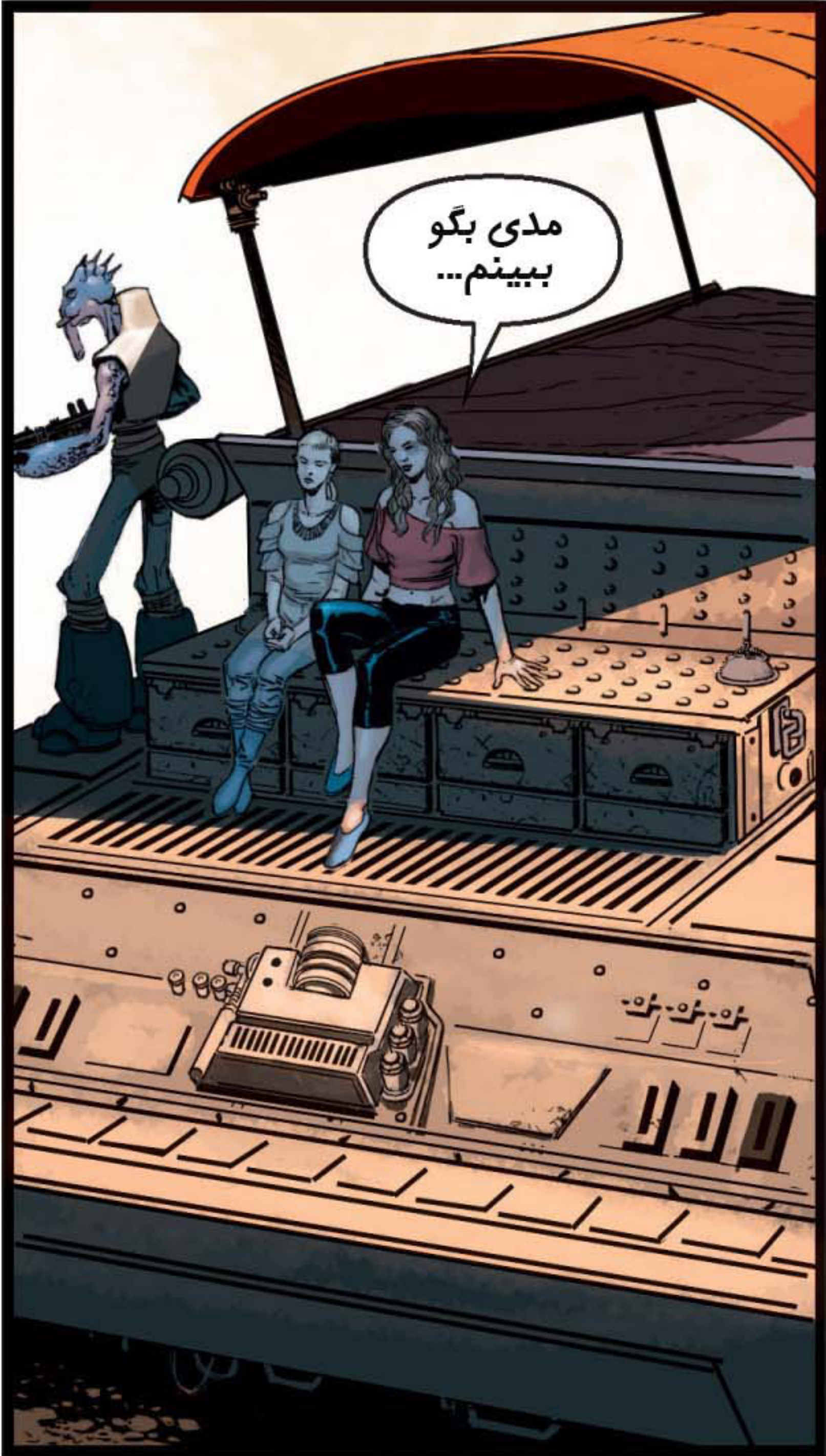
شرط می بندم
هدف ما تو
این کاروانه.



نقشه توپوگرافی
منطقه رو به من
نشون بده ایزی.









هفته روز
پیش این اتفاق
افتاد...

هفته روز... تقریباً
همون تعداد روز
که از سقوط
ما می گذره.



سقوط کردی؟
به همین دلیل بود
که وسط بیابون
آواره بودی؟

تو یه سفینه
بودی. چند نفر
بودید؟

با یه مرد
اون رفته بود بالای یه
صخره تا منطقه رو شناسایی
کنه که مهاجم ها منو
اسیر کردند.

نتونست
خودشو به پایین
صخره ها برسونه.

می دونم اگه
می تونست حتماً
برای نجات من
تلاش می کرد.



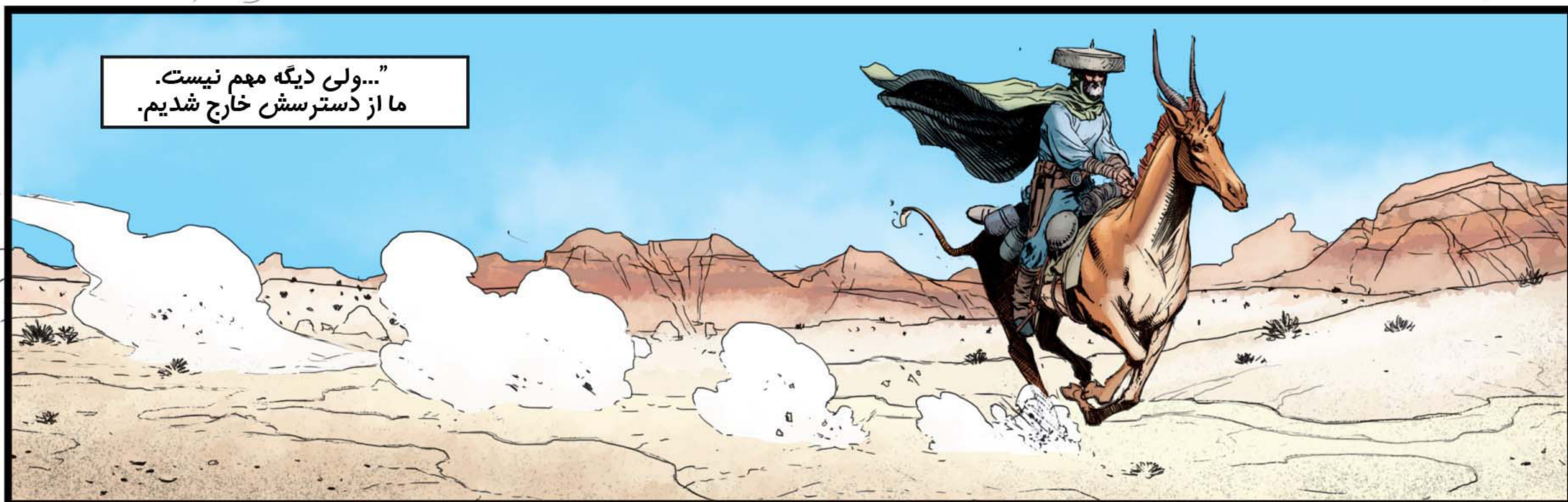
ولی خیلی ازش دور
شدیم. فکر نمی کنم
بتونه خودشو
برسونه.

تازه اگه
بتونه برسه، فقط
یه نفره...



یه نفری
هیچ شانسی مقابل
مهاجم ها نداره.

تو داس
جنیر رو نمی شناسی
...کارش درسته.



"...ولی دیگه مهم نیست.
ما از دسترسش خارج شدیم.



”باید امیدوار باشیم
که از جای دیگه هم کمک
برسه.“

طبق پیش بینی شما
کاروان داره به این سمت
میاد. فاصله حدودا ۱۶۰۰ متره
و دارند نزدیک تر می شن.

بیا به نگاهی
بندازیم به این بیچاره هایی
که با جنیر دوستی
کردند.



هنوز اثری
از جنیر
نیست...

هممم... به
نظر گروه
خشنی
هستند.



کاپیتان
حق داره قبل
از هر کسی برده ها
را ارزیابی کنه.

این چیه؟
کی این کارو کردی؟!

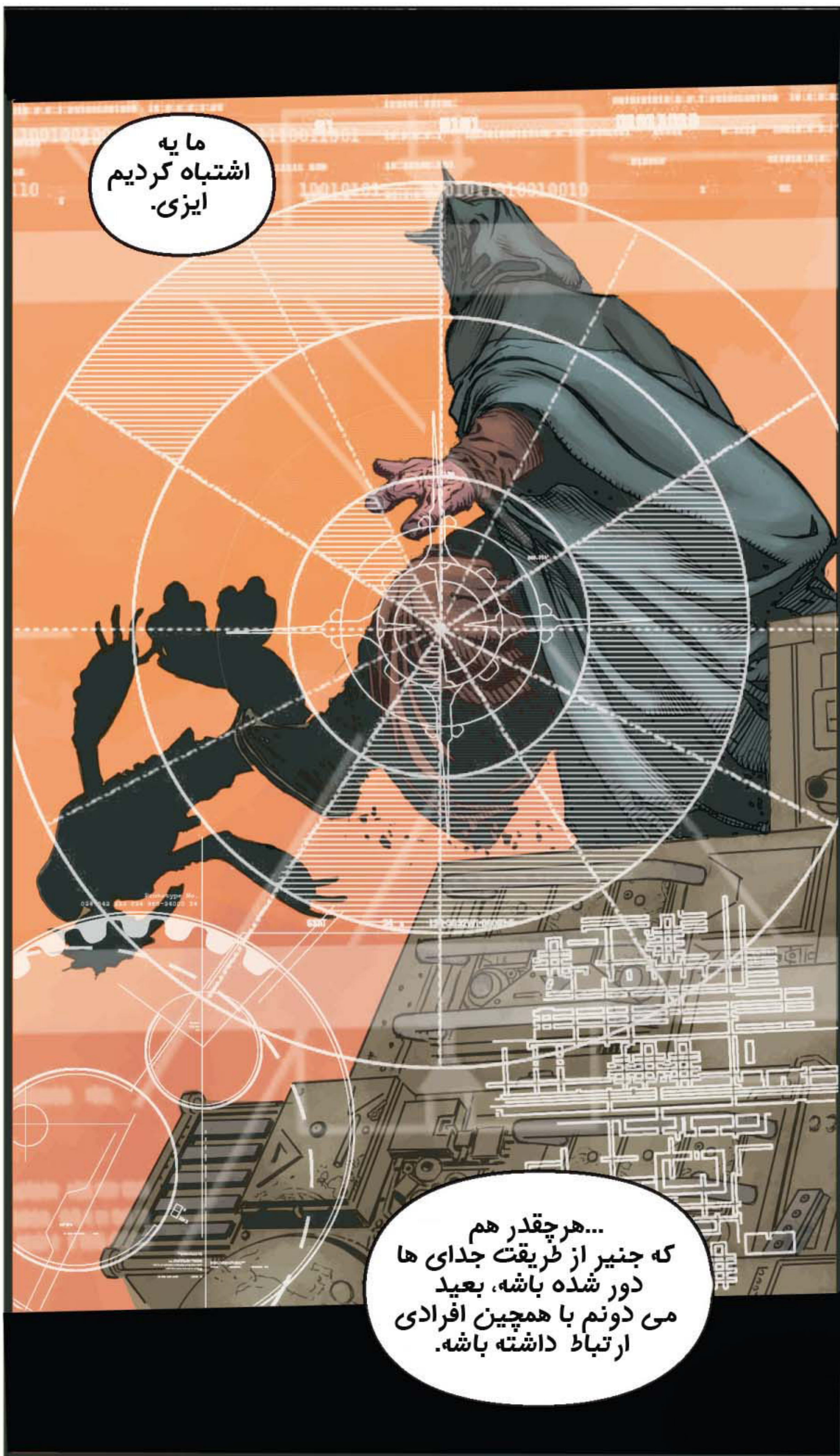


تو!

ک- کاپیتان...
و- ولی اون فقط
یه زنه...



DOW!



ما یه اشتباه کردیم ایزی.

...هرچقدر هم که جنیر از طریقت جدای ها دور شده باشه، بعید می دونم با همچین افرادی ارتباط داشته باشه.

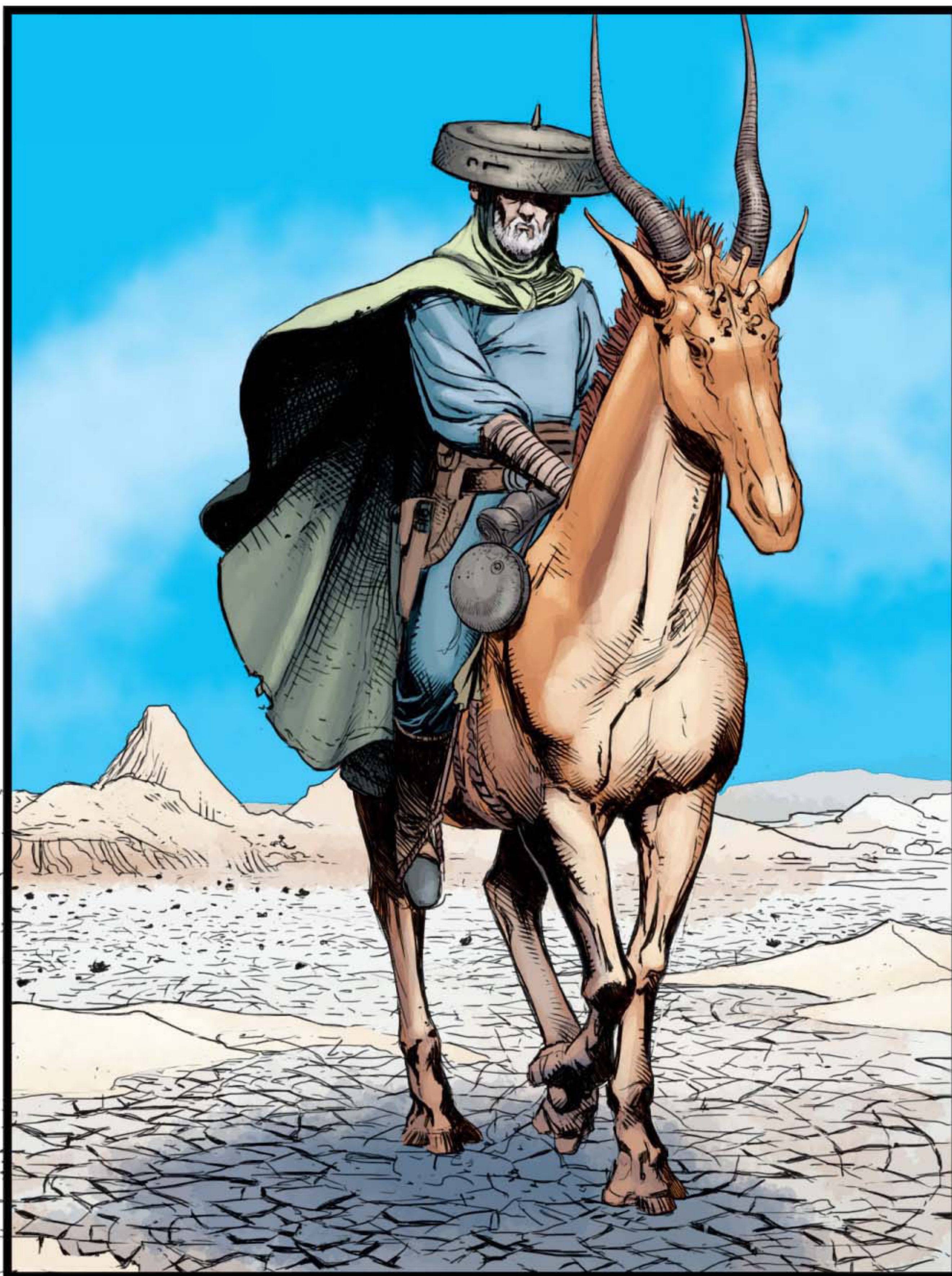
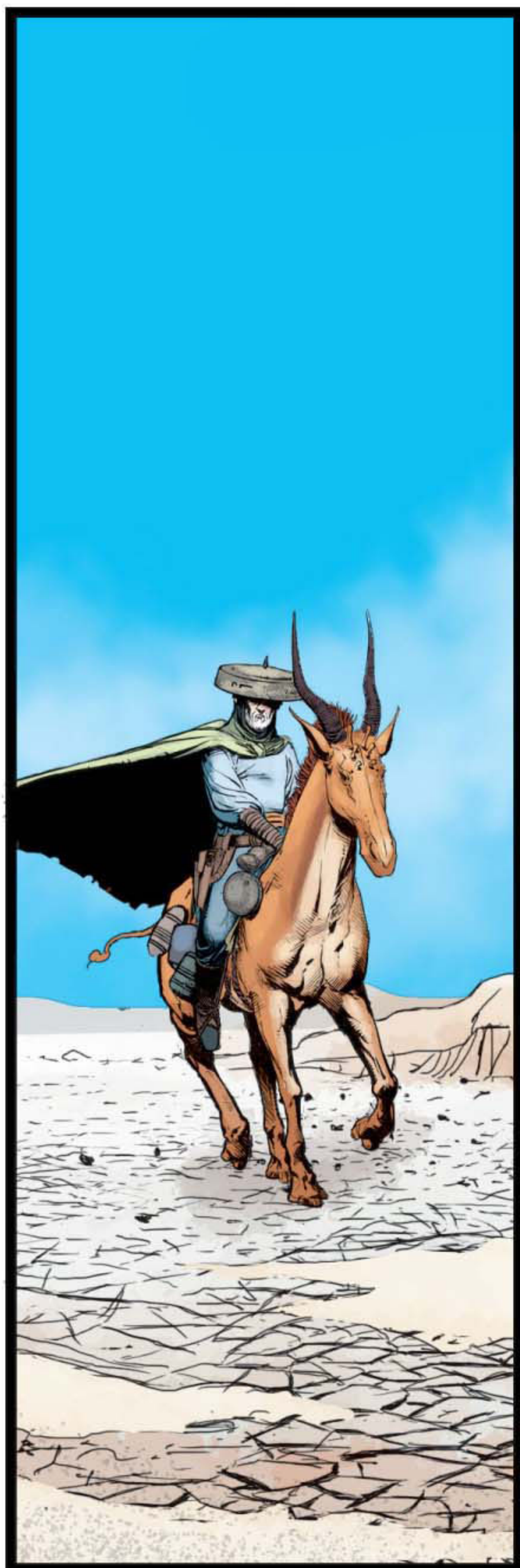
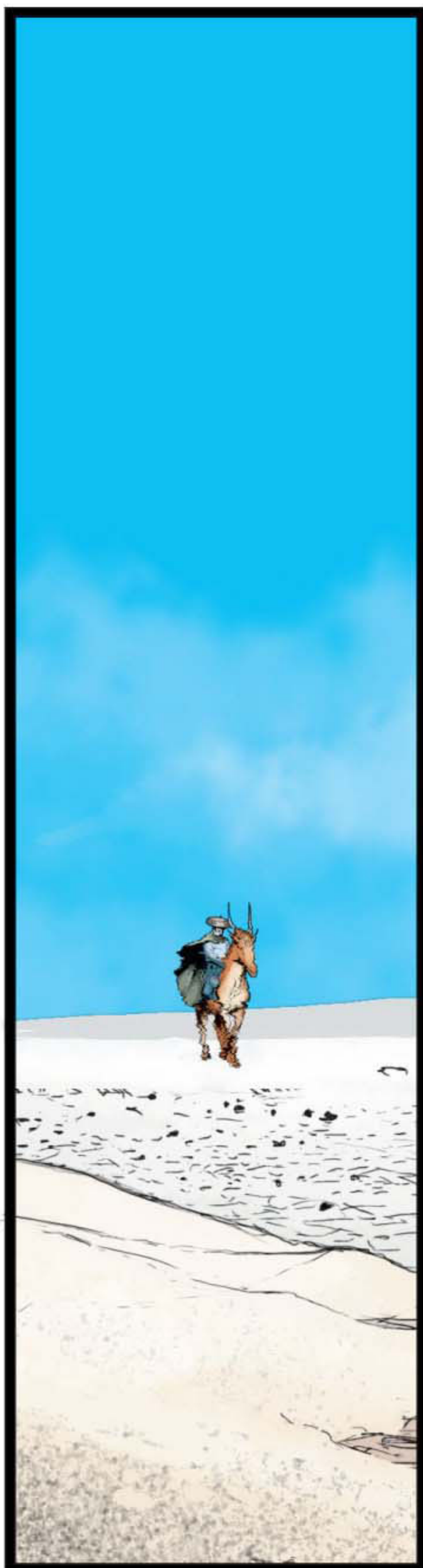


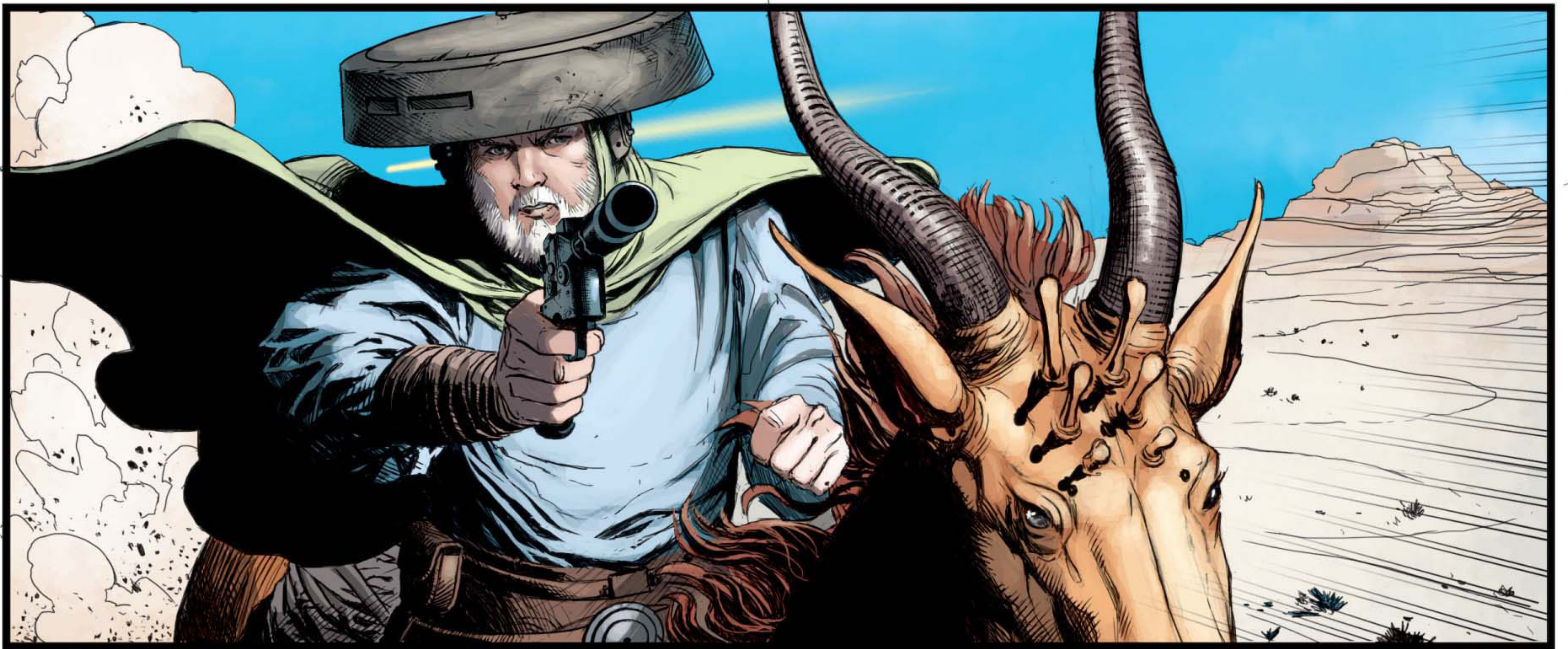
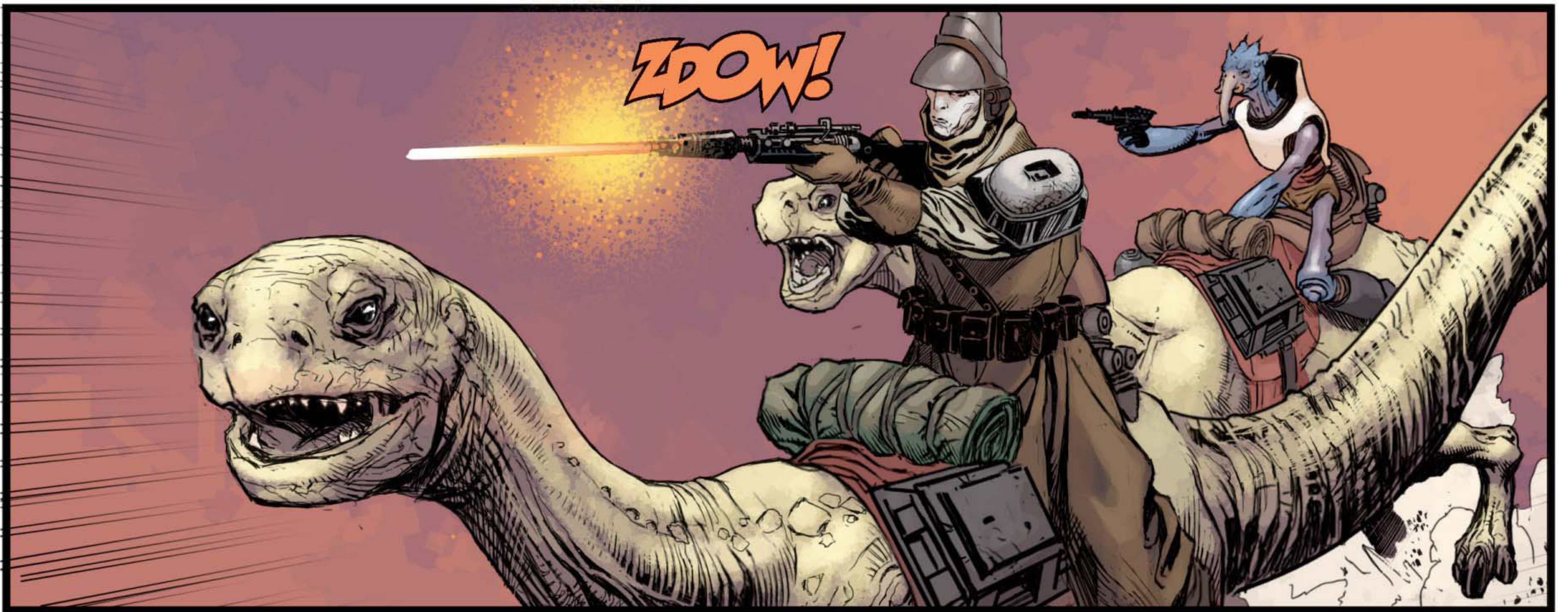
اگه جنیر با کاروان نیست ما راه رو اشتباه اومدیم.

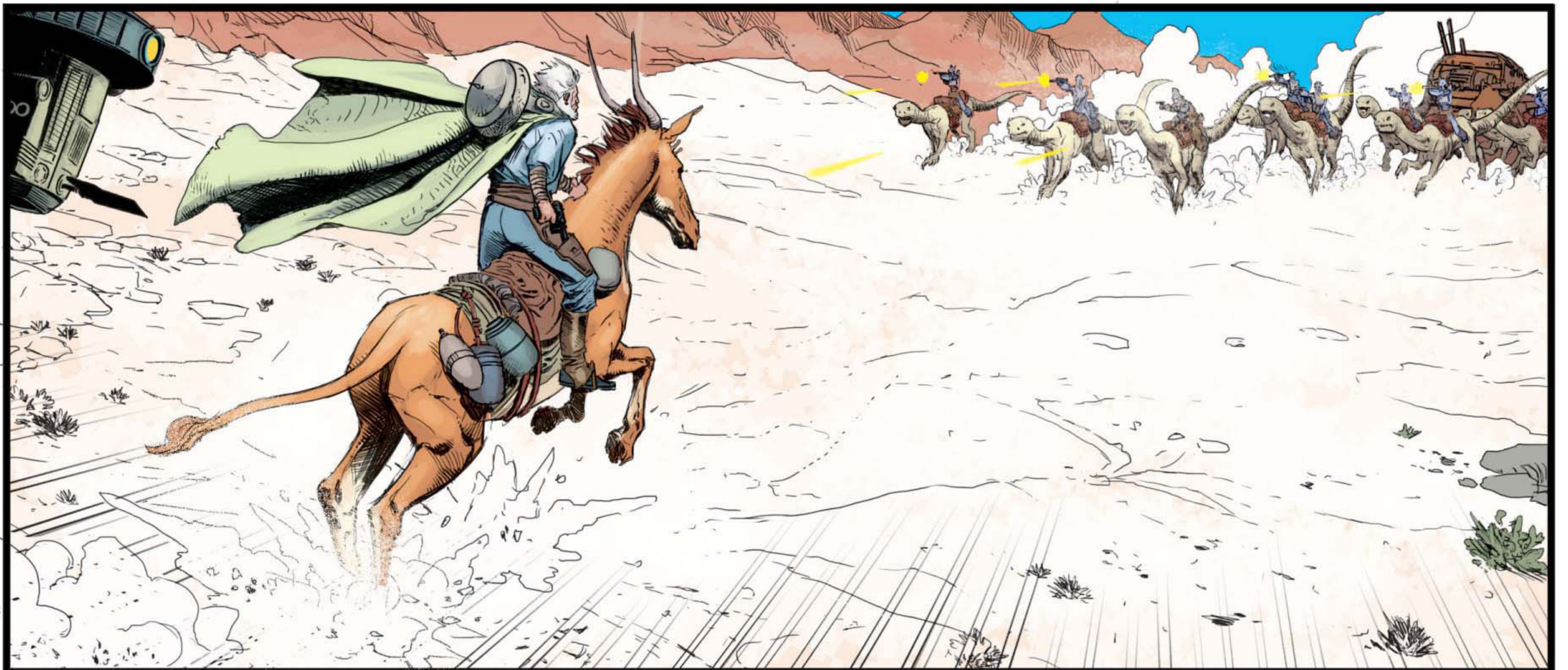
که این سؤال رو مطرح می کنه...



"...داس جنیر کجاست؟"





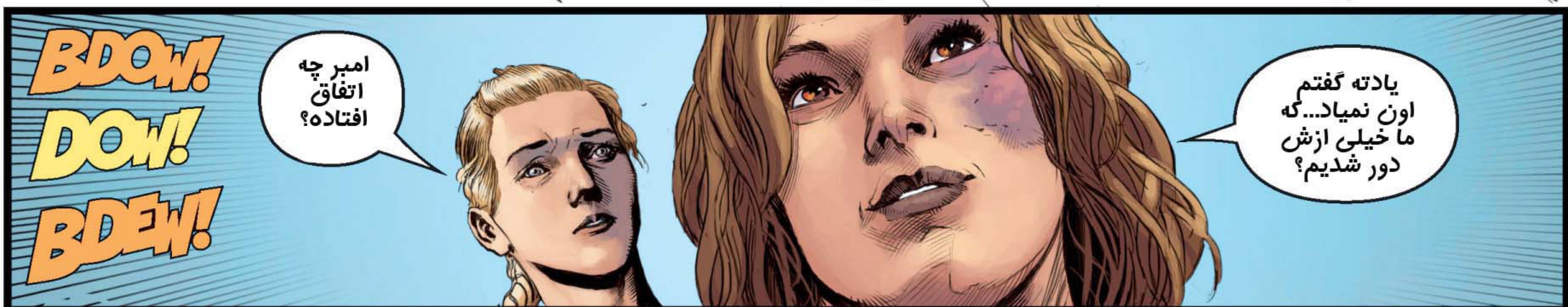




ZDOW!

آغغغ!

DOW!



BDOW!
DOW!
BDEW!

امبر چه
اتفاق
افتاده؟

یادته گفتم
اون نمیا... که
ما خیلی ازش
دور شدیم؟



"اشتباه
کردم."